

فصل اول

مقدمه:

قانون اساسی هر کشور معتبرترین و اصلی ترین منبع حقوق اساسی است .

و از این رو، مهمترین منبع شناخت هر نظام سیاسی از جمله جمهوری اسلامی ایران است. و در بردارنده هدفها ، آرمانها اصول و ارزشهای حاکم بر آن است و نوع حکومت، اهداف دولت، دین، مذهب و سایر نهادهای حکومتی نیز در قانون اساسی مشخص است.

کلیات:

تعریف حقوق :

حقوق از واژه حق گرفته شده است و حق عبارت است از قدرت یا امتیازی که کسی یا جمعی سزاوار برخوردار از آن است و بویژه قدرت یا امتیازی که به موجب قانون - حق قانونی یا عرف مقرر شده است.

تعریف حقوق اساسی :

مجموعه قواعد و اصول مربوط به تشکیلات اساسی دولت و قوای سه گانه مقننه،مجریه،قضائیه و اختیارات و روابط آنها با هم و روابط افراد و دولت و حقوق و تکالیف متقابل طرفین است که آن را قانون اساسی هر کشور تعیین می کند.

حقوق از نظر داخلی به دو دسته تقسیم می شود که عبارتند از :

1- حقوق عمومی :

در حقوق عمومی، قواعد و ضوابط حاکم بر روابط دولتها با افراد و نیز دولتها با یکدیگر مورد بحث قرار می گیرد.

2- حقوق خصوصی :

در حقوق خصوصی، قواعد و ضوابط حاکم بر روابط افراد با یکدیگر مورد بحث قرار می گیرد.

حقوق از نظر قلمرو اجرایی نیز به دو دسته تقسیم می شود:

1 - حقوق داخلی:

حقوق داخلی شامل حقوق خصوصی و حقوق عمومی می باشد.

2 - حقوق بین الملل:

حقوق بین الملل نیز شامل حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین المللی عمومی است.

منابع حقوق اساسی: 1 - منابع خاص 2 - منابع عام

1 - منابع خاص :

منابعی است که ویژه هر کشور است .

در کشور ما عبارتند از :

الف) قرآن

ب) سنت (قول ، فعل و تقریر معصوم)

پ) عقل

ث) اجماع :

ت) نظریه های تفسیری شورای نگهبان

د) مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام

ذ) شورای عالی امنیت ملی

ر) شورای عالی انقلاب فرهنگی

2 - منابع عام : منابعی است که در بیشتر کشورها به عنوان منبع حقوق اساسی پذیرفته می شود .

تعریف قانون :

1) از نظر لغوی : به اصل و مقیاس چیزی اطلاق می شود.

2) از نظر اصطلاحی :

الف) قاعده حقوقی دارای ضمانت اجرا که ناظر به مورد خاص باشد .

ب) قاعده حقوقی عام یا خاص که توسط قوه مقننه وضع شده باشد.

قوانین از نظر سلسله مراتب :

1) قانون اساسی

2) قوانین عادی که در مجلس یا مجالس تصویب شده.

3) آیین نامه ها و بخشنامه ها که توسط قوه مجریه وزارتخانه ها و... وضع می شود.

ویژگیهای قانون:

- 1 - کلی بودن : منظور از کلی بودن اینست که همه افراد مورد خطاب قرار دهد نه شخص معینی را.
- 2 - الزامی بودن : بدین معنا که پس از تطبیق با مصداق، حالت اجبار و الزام می باید و کسی نمی تواند از اجرای آن سرباز زند .
- 3 - داشتن ضمانت اجرا : بدین منظور دادرها، دادگاهها و نهادهای مختلفی را تشکیل داده تا قوانین را بدقت اجرا و متخلفان را تنبیه و مجازات کنند
- 4 - داشتن قلمرو : قلمرو قانون چارچوب مرزهای رسمی و بین المللی هر کشور است.

پیشینه قانون اساسی در ایران

- 1 - قانون اساسی مشروطیت :
- 2 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

1 - قانون اساسی مشروطیت :

درسالهای آخرسلطنت ناصرالدین شاه قاجار شیوه حکومتی شاه و درباریان مورد اعتراض قرار گرفت .

یکی از مهمترین اقدامات سازمان یافته مردم پایتخت مهاجرت به شاه عبدالعظیم و تحصن در آنجا بود. مظفردین شاه که پس از کشته شدن پدرش به سلطنت رسیده بود . با صدور فرمانی مبنی بر تأسیس عدالتخانه به منظور اجرای احکام شرع خشم مردم را فرو نشانده، اما برخلاف وعده های خود به دستگیری و قتل وعام مردم ادامه داد.

این بار دیگر مردم به تأسیس عدالتخانه وعزل شهردار قانع نشدند بلکه از موضع قدرت خواستار عزل عین الدوله (صدراعظم) و تأسیس شورای ملی و تدوین قانون اساسی شدند.

ازطرفی رهبری منسجم نهضت از جمله آیات عظام طباطبایی و بهبهانی منجر به بر کناری عین الدوله شد. مظفردین شاه در 14 مرداد 1285 با صدور فرمانی دستور داد مجلس مشورتی از منتخبان ، شاهزادگان علماء، اعیان، اشراف، ملاکین، تجار و اصناف تشکیل شود ودرامور دولتی و مصالح عامه مشاوره کنند و آراء خود توسط دولت به شاه برسانند .

اما با این حال مردم دست از مبارزه نکشیدند و چهار روز بعد ، فرمان دیگری در تکمیل فرمان قبلی درجهت حاکمیت تمامی طبقات مردم ، با برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس توسط شاه صادر شد . نهایتاً نخستین مجلس قانونگذاری با خطابه شاه در سال 1285 افتتاح شد.

یک : چگونگی تدوین قانون اساسی مشروطه :

طرح اولیه قانون اساسی را شخصیت های سیاسی آگاه به قوانین اساسی کشورهای اروپایی تهیه کردند و کمیسیون پنج نفره ای متشکل از برگزیدگان مجلس و نمایندگان دولت مأمور حل اختلاف شد.

قانون اساسی مشروطه در 5 فصل و 51 اصل در سال 1285 به تصویب رساندند .

مظفردالدین شاه در روزهای پایانی عمر خود آنرا امضاء و ده روز بعد ، فوت نمود و فرزند مستبد وی محمد علی میرزا بر تخت سلطنت نشست . سر انجام پس از بحث ها و مشاجره های بسیار، شاه مجلس را به توپ بست و قیام سراسری و هجوم به تهران آغاز شد و نهایتاً دولت مجبور شد متمم 107 ماده ای قانون اساسی را تقدیم مجلس کند.

دو : ویژگیهای قانون اساسی مشروطیت:

1) ساختار حکومتی در ایران را متحول کرد و باعث دگرگونی بنیادی شد. در واقع قانون مشروطه برای نخستین بار مسئله پارلمان، حقوق مردم و مبنای قدرت سیاسی را مطرح کرد و در سلب اختیارات نا محدود شاه و نفی استبداد مطلقه و ضرورت حاکمیت مردم، تأثیر بسزا داشت.

2) طبق اصل 35 متمم قانون اساسی ، دولت و سلطنت در ایران جنبه مردمی یافت و علاوه بر آن اعتقاد به دین اسلام و متدین بودن در آن قید شد و حاکمیت شرع مقدس اسلام بر مصوبات مجلس به موجب اصل دوم مشهود بود. این اصل مقرر می داشت در هر زمان، هیئتی دست کم به تعداد پنج نفر متشکل از مجتهدان و فقهای آگاه به مقتضیات زمان، مأمور بررسی قوانین و مسائل مطرح شده در مجلسین باشند تا با قوانین اسلام مغایرتی نداشته باشد. اصل 27 متمم قانون اساسی، وضع، انشا و اجرای قوانین را بسته به عدم مخالفت با موازین شرعی می دانست . همین اصل و اصول 71 و 83 متمم قانون اساسی، بر حق دخالت مستقیم روحانیان در قوه قضائیه تأکید داشت .

3) مطابق اصول 8 تا 25 قانون اساسی تمامی مردم در برابر قانون متساوی الحقوق و از حیث جان، مال ناموس، مسکن، شرف نیز مصون از هر نوع تعرض بودند.

4) در قانون اساسی و متمم آن با ایجاد محدودیتهای قانونی سعی شده بود که از نفوذ نیروها و قدرتهای خارجی در اموریاتی کشور جلوگیری شود.

5) بر طبق اصل 36 متمم قانون اساسی مقام سلطنت از طرف ملت و توسط مجلس مؤسسان به شخص شاه تفویض می شد.

ضعفهای محتوایی قانون اساسی مشروطیت:

1) اصول قانون اساسی را باید به مثابه برنامه کلان و طولانی مدت دانست . و قانون اساسی می باید دارای اصول کلی باشد و از پرداختن به مسائل جزئی و کم اهمیت دوری نماید ، در حالی که بسیاری از اصول مندرج در قانون اساسی و متمم آن این ویژگی را نداشت .

2) در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن هیچگونه نظم و ترتیب منطقی میان فصول و اصول وجود نداشت و حتی در برخی از موارد تناقضات آشکاری دیده می شد.

3) مسئله حق حاکمیت ملی با حقوق سلطنت در اصول مختلف منافات داشت.

4) مهمترین تعارض قانون اساسی مشروطیت در اصل تفکیک قوا بود.

5) مشخص نبودن شخص یا نهادی برای تفسیر قانون اساسی.

دو - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

1- مقدمات تدوین قانون اساسی :

فکر تدوین قانون اساسی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و به هنگام اقامت امام خمینی در پاریس بوجود آمد و پیش نویس اولیه آن در همانجا تهیه و در ایران مورد بررسی قرار گرفت.

2- تشکیل مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی :

پس از موافقت امام خمینی با تشکیل مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی ، ایشان طی فرمانی به نخست وزیر دولت موقت دستور داد تا قانون انتخابات این مجلس ، هرچه سریعتر به تصویب برسد .

لایحه قانونی انتخابات آن در تاریخ 58/4/14 به تصویب شورای انقلاب رسید و در 29 تیر ماه 58 انتخابات این مجلس بر گزار شد که شمار نمایندگان آن با احتساب نمایندگان اقلیتهای مذهبی 73 نفر بود.

3- همه پرسی قانون اساسی : در همه پرسی قانون اساسی در آذر سال 1358 از مجموع 15/758/956 نفر شرکت کننده ،

15/680/329 نفر رای مثبت دادند و نهایتاً این قانون در 12 فصل و 175 اصل تنظیم گردید.

4- بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران : در بهار 1368 با درخواست نمایندگان مجلس شورای اسلامی و

اعضای شورای عالی قضایی طی دوناامه جداگانه مبنی بر تجدید نظر در قانون اساسی تقدیم امام شد و امام در 1368/2/4 طی حکمی به رئیس جمهور وقت ، فرمان بازنگری صادر شد و نهایتاً به 14 فصل و 177 اصل اصلاح گردید.

فصل دوم

اصول و مبانی قانون اساسی:

نوع حکومت در ایران : طبق اصل اول قانون اساسی حکومت ایران جمهوری اسلامی است که قبلاً در همه پرسی روزهای 10 و 11 فروردین 1358 با اکثریت 98/2٪ مقرر گردید.

ارکان نظام سیاسی در ایران

الف) جمهوری بودن :

ب) اسلامی بودن :

الف) جمهوری بودن :

جمهوری که در مقابل نظام سلطنتی قرار می گیرد حکومتی است که باید در آن شرایط ذیل لحاظ شود.

(1) حاکم یا حاکمان بطور مستقیم توسط مردم یا غیرمستقیم توسط نمایندگان مردم انتخاب می شوند .

مجلس، رئیس جمهور، شورای شهر، خبرگان رهبری

(2) دوره زمامداری در نظام جمهوری محدود است.

(3) حاکم یا حاکمان هیچ امتیاز شخصی نسبت به دیگران ندارند و همانند مردم تابع قانون و مسؤل تمام اعمال خویش هستند .

اصل 107 قانون اساسی می گوید: رهبر با سایر افراد کشور مساوی است.

(4) برعکس نظام های سلطنتی در حکومت جمهوری حاکم یا حاکمان دارای مسؤلیت مضاعف حقوقی و سیاسی هستند .

(5) زمامداری و اداره کشور با اتکاء به آرای عمومی است.

(ب) اسلامی بودن :

جمهوریت ناظر بر شکل حکومت و اسلامی بودن مربوط به محتوی آن است. اکثریت مردم با اعتقاد دیرینه خود به دین اسلام، محتوای حاکمیت اسلامی را در قالب جمهوری برگزیده اند.

اسلامی بودن نظام و استمرار آن نیز به دو طریق تأمین می شود:

(1) ولایت فقیه :

یکی از راههای پیش بینی شده برای حفظ و استمرار اسلامیت نظام سپردن رهبری و هدایت این نظام در زمان غیبت امام زمان بدست فقیهی عادل و با تقوی ، آگاه به زمان، شجاع و مدیر و مدبر است.

(2) اسلامی بودن قوانین و مقررات :

طبق قانون اساسی همه قوانین و مقررات جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر همه اصول قانون اساسی و قوانین دیگر حاکم است.

اصول و مبانی اعتقادی جمهوری اسلامی

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظامی است بر پایه ایمان به این مبانی :

(1) خدای یکتا (لااله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر او

(2) وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین

(3) معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا

(4) عدل خدا در خلقت و تشریح (تشریح از شرع گرفته شده است)

5) امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی

6) کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا که از راه :

الف) اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین

ب) استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها

پ) نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و قسط و عدل، استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین نماید.

وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران:

1) ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با همه مظاهر فساد و تباهی

2) بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌ها

3) آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همگان در تمامی سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی

4) تقویت روح بررسی و تتبع (پیگیری کردن) و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی، اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان

5) طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب

6) محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی

7) تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون

8) مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش

9) رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم در تمام زمینه‌های مادی و معنوی

10) ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری

11) تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی همگانی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور

12) پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه

13) تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی و امور نظامی

14) تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه

15 توسعه و تحکیم برادری و تعاون

16 تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام

دین و مذهب رسمی:

بر اساس اصل 11 قانون اساسی دین رسمی ایران ، اسلام مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی ابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی،شافعی،مالکی حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی ، طبق فقه خودشان آزادند و درتعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه و دعاوی مربوط به آن دردادگاه ها رسمیت دارند. و درهر منطقه ای که پیروان هر یک از مذاهب ، اکثریت داشته باشند مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود .

زبان ، خط ، تاریخ و پرچم رسمی کشور:

براساس اصل 15 قانون اساسی زبان وخط رسمی مشترک مردم ایران فارسی است و اسناد ومکاتبات و متون رسمی و کتابهای درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده اززبانهای محلی و قومی درمطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها درمدارس در کنار زبان فارسی آزاد است .

همچنین براساس اصل 16 قانون اساسی زبان عربی بعنوان زبان دوم درایران به رسمیت شناخته شده است.

مبدأ تاریخ رسمی کشورهجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه است و تاریخ هجری شمسی وهجری قمری هردو درایران معتبر است.

پرچم رسمی ایران:

به رنگهای سبزوسفید وسرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است .

رنگ سبز نشانه سیادت،پیروزی و مظهر اسلام است.

رنگ سفید بیانگر صلح و منطق است .

رنگ سرخ نشانه آزادگی و شهادت طلبی در راه اعتقادات دینی است.

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه 3 بخش می باشد:

1 (بخش دولتی :

شامل صنایع بزرگ ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی ، معادن بزرگ ، بانکداری ، بیمه ، تأمین نیرو ، رادیو تلویزیون ، هواپیمایی ، کشتیرانی ، راه و راه آهن و مانند اینها.

2 (بخش تعاون :

شامل شرکتهای و مؤسسات تعاونی در تولید و توزیع

3) بخش خصوصی :

شامل کشاورزی ، دامداری ، صنعت ، تجارت و خدمات

حاکمیت و منشاء آن: حاکمیت عبارت است از قدرت مافوق در یک کشور که بدون سلطه دولتهای دیگر تصمیم گیری می کند.

حاکمیت به دو دسته الهی و غیر الهی تقسیم می شود.

1) نظریه حاکمیت الهی :

براساس این نظریه قدرت و مشروعیت حاکمیت ناشی از اراده خداوند است و زمامداران نیز دستورهای خداوند را اجرا می کنند.

2) نظریه حاکمیت غیر الهی:

به سه دسته تقسیم می شوند:

1 - نظریه حاکمیت فردی: به موجب این نظریه، مجموعه اقتدارات سیاسی به فردی تعلق دارد که خود، استطاعت قدرت و فرمانروایی را داراست و این حاکم مطلق، تمام اقتدار خود را از خداوند می داند و معتقد است تصمیمات او به اراده و تصمیم خداست .

2 - نظریه حاکمیت مردم: اینگونه حاکمیت هنگامی است که هر یک از افراد به طور مساوی و بدون واسطه، در تعیین سرنوشت خویش نقش اساسی داشته باشند؛ چرا که حکومت مردم بر مردم وقتی واقعیت می یابد که حاکمیت از ریشه و سرچشمه، متعلق به مردم باشد .

3 - نظریه حاکمیت ملی: بر اساس این نظریه، ریشه هر گونه حاکمیتی اساساً در ملت قرار دارد و هیچ هیئت یا فردی نمی تواند اقتداری را که ناشی از ملت نباشد اعمال کند.

حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی، ترکیبی از حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی را پذیرفته است .

فصل سوم

حقوق و آزادی های اساسی مردم

الف) حقوق و آزادی های قضایی و امنیتی

ب) حقوق و آزادی های سیاسی

ج) حقوق اقتصادی ، رفاهی ، آموزشی و تربیتی

الف) حقوق و آزادی های قضایی و امنیتی

1) برخورداری از تساوی حقوق :

اولین و مهمترین اصل حقوق و آزادیهای مردم آن است که در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار باشند. برابر اصل 19 قانون اساسی مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و

رنگ و نژاد و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود

برابر اصل 107 رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

2) حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه :

برابر اصل 34 قانون اساسی دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند.

3) حق انتخاب وکیل :

طبق اصل 35 قانون اساسی در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل را فراهم کرد.

4) مصونیت از تعرض :

طبق اصل 22 حیثیت ، جان ، مال ، حقوق ، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

5) مصونیت از تبعید :

طبق اصل 33 هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش محروم یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

6) ممنوعیت شکنجه برای اقرار یا دریافت اطلاعات :

طبق اصل 38 اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت یا اقرار یا سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف طبق قانون مجازات می شود .

7) ممنوعیت هتک حرمت :

بر اساس اصل 39 قانون اساسی علاوه بر ممنوعیت هتک حرمت در جنبه عمومی ، هتک حرمت کسی را که به حکم قانون دستگیر ، بازداشت و یا تبعید شده ممنوع می باشد.

8) ممنوعیت توقیف غیر قانونی :

طبق اصل 32 هیچ کسی را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند . دلایل بازداشت بلافاصله باید به متهم ابلاغ و تفهیم شود.

(9) اصل برائت:

طبق اصول 36 ، 37 و 166 در این مورد به چند نکته باید توجه کرد. اول اینکه اصل بر برائت است و هیچکس مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه در دادگاه ثابت شود. دوم اینکه حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و سوم اینکه احکام دادگاه های صالح نیز باید مستدل و مستند به قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است .

(10) اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین:

طبق اصل 169 هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد به قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود.

(11) اصل علنی بودن محاکمات:

بر اساس اصل 165 محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد در آن بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافعی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد، یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

(12) اصل تجدید نظر بودن احکام:

از آنجائیکه قضات نیز ممکن است در رسیدگی ها دچار اشتباه شوند، در قوانین اساسی کشورها راههایی برای جبران اشتباه قاضی پیش بینی شده است. یکی از این راه ها در کشور ما دادگاه تجدید نظر است.

(13) اصل جبران مادی یا معنوی اشتباه:

هرگاه برا اثر تقصیر قاضی ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است. در غیر اینصورت، خسارت توسط دولت جبران می شود.

(ب) حقوق و آزادی های سیاسی:

(1) حق حیات یا آزادی تن:

منظور از حق حیات یا آزادی تن، منع تملک و بردگی و برده داری است .

(2) داشتن آزادی تابعیت :

طبق اصل 41 تابعیت کشور ایران حق مسلم هرفرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

(3) ممنوعیت سانسور ، استراق سمع و تجسس اسرار خصوصی:

طبق اصل 25 بازرسی و نرساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و عدم مخابره و نرساندن آنها ، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون .

4) آزادی اندیشه و عقیده :

طبق اصل 23 تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مأخذ قرار داد. آزادی عبارت است از اینکه شخص اختیار انجام فعل یا ترک فعل را داشته باشد، مشروط بر آنکه ضرری به دیگری نرسد.

5) آزادی مطبوعات :

طبق اصل 24 نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد .

6) آزادی فعالیت احزاب و گروههای سیاسی :

احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند .

7) آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها :

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها بدون حمل سلاح بشرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است. (اصل 27)

8) حضور هیأت منصفه در دادگاه جرائم سیاسی و مطبوعات :

ج) حقوق اقتصادی ، رفاهی ، آموزشی و تربیتی

1) آزادی انتخاب شغل :

طبق اصل 28 هر کسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نباشد برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید .

2) آزادی و حق برخورداری از کسب و کار و مالکیت مشروع :

طبق اصل 46، 47 و 49 قانون اساسی هر کس مالک حاصل کسب کارخویش است و هیچکس نمی تواند بعنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند. مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است؛ ضوابط آنرا قانون معین می کند. مالکیت های نامشروع عبارتند از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی و دایر کردن اماکن فساد .

3) حق داشتن مسکن متناسب :

طبق اصل 31 داشتن مسکن متناسب با نیاز ، حق هر فرد ایرانی است.

4) حق برخورداری از تأمین اجتماعی :

طبق اصل 29 برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی ، بیکاری ، پیری ، از کار افتادگی

بی سرپرستی و ... دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین نماید.

5) چگونگی تأمین استقلال اقتصادی و ریشه کن کردن فقر و محرومیت:

برای این منظور ضوابطی استوار است :

الف - تأمین نیازهای اساسی افراد مانند : مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش .

ب - تأمین شرایط و امکانات کار .

پ - تنظیم برنامه اقتصادی کشور.

ت - رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کار معین .

ث - منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار، و ربا و دیگر معاملات حرام و باطل.

د - منع اسراف و تبذیر در همه شئون.

ذ - استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر.

ر - جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور .

ز - تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی

6) برخورداری از آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه

فصل چهارم

رهبری در قانون اساسی:

طبق اصل 5 قانون اساسی در زمان غیبت حضرت ولیعصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل 107 عهده دار آن می گردد.

بر اساس اصل 109 برخی از شرایط و صفات رهبری بدین شرح است:

1) صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه

2) عدالت و تقوای لازم برای رهبری اسلام

3) بینش صحیح سیاسی و اجتماعی ، تدبیر ، شجاعت و مدیریت کافی برای رهبری .
در صورت تعدد شرایط فوق ، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است.

جایگاه رئیس دولت در کشورهای دیگر :

درايران رهبر يا ولايت فقيه ، جایگاهش در امریکا و فرانسه با رئیس جمهور، در انگلستان با نهاد سلطنت که شرایط سخت گیرانه ای بنا به قانون خود برای آنها رعایت می شود.

1) ایالات متحده امریکا :

رئیس جمهور نقش رهبر و رئیس دولت را ایفا می کند و هدایت کننده اصلی کشور است. و حداقل 35 سال سن با 14 سال اقامت و جمع آوری صدها هزار امضاء از ایالت‌های مختلف شرط رسیدن به آن است .

2) انگلستان :

مقام سلطنت رهبر کشور محسوب می شود و از نظر مردم مظهر ملی ، قدرت و حاکمیت سیاسی است و باید دارای مذهب پروتستان باشد، رژیم سلطنتی موروثی است، زنان از حق سلطنت برخوردارند ولی پس از مردان، در حال حاضر ملکه الیزابت حکمران است که این مقام را از پدرش به ارث برده است.

3) فرانسه :

مقام ریاست جمهوری مشروعیت خود را مستقیم از مردم می گیرد ، فوق نیروها و احزاب سیاسی است. اختیارات قانونگذاری قوه مقننه به مواردی محدود شده و در مقابل، اختیارات قوه مجریه در بسیاری از امور که در گذشته جزء صلاحیت قوه مقننه بود فزونی یافته است .

4) جمهوری فدرال آلمان :

رئیس جمهور در آلمان حداقل 40 سال سن و باید تابعیت آلمان را داشته باشد و در یک دوره 5 ساله توسط مجلس فدرال و مجلس ایالات انتخاب می شود و نباید عضو مجلس فدرال – بوندستاک – یا مجلس ایالات – بوندسترات و یا دولت باشد.

5) جمهوری هند :

رئیس جمهور در این کشور جنبه سمبولیک دارد. و هم رئیس قوه مجریه می باشد.

چگونگی گزینش و عزل رهبری:

همه مردم ایران در فرایند انقلاب رهبری امام خمینی را پذیرفته بودند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ایشان رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران شناخته شد .

انتخاب رهبر توسط خبرگان که انتخاب با واسطه از سوی مردم است در اصل 107 تبلور یافت .

رهبرمنتخب خبرگان ولایت امر وهمه مسؤولیتهای ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. افزون براین عزل رهبرنیزطبق قانون اساسی از وظایف خبرگان است تا هر گاه رهبر درانجام وظایف خود ناتوان شود و یا فاقد یکی از شرایط مذکور دراصول 5 و 109 و یا معلوم شود از آغاز برخی از شرایط را دارا نبوده از مقام خود بر کنار خواهد شد .

چگونگی انتخاب رئیس دولت در کشورهای دیگر:

رئیس جمهور امریکا :

بصورت غیر مستقیم انتخاب می شود به این معنی که مردم هیئت هایی را انتخاب می کنند تا به رئیس جمهور رأی دهند.

رئیس جمهور در کشور آلمان :

توسط مجلسی با عنوان کنوانسیون فدرال انتخاب می شود که نصف اعضای آن از نمایندگان مجلس فدرال و نیمی دیگر نیز از اعضای مجلس ایالتی اند.

رئیس جمهور در کشور ایتالیا:

رئیس جمهور در اجلاس مشترک مجلس نمایندگان و مجلس سنا با حضور 3 نفر از طرف هر یک از شوراهای مناطق کشور انتخاب می شود.

در کشور هند :

نیز از طرف دو مجلس قانونگذاری فدرال و مجالس مقننه ایالات با اکثریت آرا انتخاب می شود.

سلطنت در انگلستان :

موروثی بوده و شاه یا ملکه این مقام را از پدر به ارث می برد.

رئیس جمهور در کشور فرانسه:

رئیس جمهور بصورت مستقیم توسط مردم انتخاب می شود .

مسئولیت مقام رهبری در مقابل قانون:

1)مسئولیت سیاسی :

خبرگان رهبری از میان اعضای خود هیئت تحقیقی را مرکب از 7 نفر برای مدت 2 سال با رأی مخفی انتخاب می کنند تا به وظایف مذکور در قانون عمل نمایند که این افراد نباید در سمتهای اجرایی و قضایی از جانب مقام رهبری شاغل باشند و یا از بستگان نزدیک وی باشند.

2) مسؤلیت حقوقی :

طبق بند آخر اصل 107 رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور برابر است.

3) مسؤلیت مالی :

طبق قانون اساسی دارایی رهبر، همسر و فرزندان، مانند دیگر مسؤولان بلند پایه کشور توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود. که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد.

لازم بذکر است بر اساس قانون رایج تقریباً هیچ کشوری بخصوص کشورهای نامبرده شده مثل رئیس جمهور در امریکا و فرانسه و پادشاه در انگلستان مقام مذکور در مقابل هیچ نهاد و دستگاهی مسئول و پاسخگو نیستند.

وظایف و اختیارات مقام رهبری :

الف) وظایف و اختیارات رهبر در برابر کل نظام

ب) وظایف و اختیارات رهبر در قوه مجریه

ج) وظایف و اختیارات رهبر در قوه مقننه

د) وظایف و اختیارات رهبر در قوه قضائیه

ذ) وظایف و اختیارات دیگر

الف) وظایف و اختیارات رهبر در برابر کل نظام:

اصل 110 قانون اساسی چهار وظیفه مهم بر عهده رهبر نهاده است:

1 - تعیین سیاست های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت :

سیاست تحت عنوان چشم انداز بیست ساله تهیه و برای اجرا به مسؤولان ابلاغ شده است.

2 - نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام:

رهبری در حکمی به تاریخ 1379/11/3 این سیاستها را به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار کرده است.

3 - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه:

قانون اساسی تفکیک قوای سه گانه را در اصل 57 مقرر داشته است.

4- حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام:

حل مشکل «انتخاب حقوق دانان شورای نگهبان» در سال 1380 بین مجلس و قوه قضائیه

ب) وظایف و اختیارات رهبری در قوه مجریه:

هرچند قوای نظامی و انتظامی در بیشتر کشورهای دنیا بخشی از قوه مجریه اند.

- 1 - فرماندهی کل نیروهای مسلح
- 2 - اعلان جنگ، صلح و بسیج نیروها
- 3 - نصب، عزل و قبول استعفای فرمانده کل ارتش؛
- 4 - نصب، عزل و قبول استعفای فرمانده کل
- 5 - نصب، عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی؛
- 6 - امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب از سوی مردم؛
- 7 - عزل رئیس جمهوری پس از رأی عدم کفایت سیاسی مجلس شورای اسلامی و یا احراز تخلف ریاست جمهوری از وظایف قانونی خود بر اساس نظر دیوان عالی کشور؛
- 8 - قبول استعفای رئیس جمهور
- 9 - تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی؛
- 10 - موافقت با بر عهده گرفتن مسئولیتهای رئیس جمهور توسط معاون اول او در شرایط ویژه.

ج) وظایف و اختیارات رهبری در قوه مقننه:

- 1- فرمان اجرای همه پرسی:
درخواست مراجعه به آرا عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. بر طبق بند سوم اصل 110، فرمان همه پرسی از وظایف و اختیارات رهبر است.
- 2 - نصب، عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان:
نصب، عزل و قبول استعفای فقهای شورای نگهبان بر عهده مقام رهبری می باشد.

د) وظایف و اختیارات رهبر در قوه قضائیه:

- 1 - نصب و عزل و قبول استعفای رئیس قوه قضائیه
- 2 - عفو و تخفیف مجازات محکومین:
عفو و تخفیف مجازات محکومین پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه از اختیارات مقام رهبری است.

ذ) وظایف و اختیارات دیگر:

1 - نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صدا و سیما:

بر پایه اصل 157 عزل و نصب وی با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی - هر کدام دو نفر - بر این سازمان نظارت دارند.

2 - تعیین اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام:

مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی اول پیش بینی نشده بود. امام خمینی (قدس سره) در سال 1366 بر اساس حکم حکومتی، دستور تشکیل آن را صادر نمود و در بازنگری قانون اساسی در سال 1368 نیز بر وجود آن در قانون اساسی تصریح شد. بر اساس اصل 112 قانون اساسی، اعضای ثابت و متغیر این مجمع توسط مقام رهبری تعیین می شود. همچنین مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه شده و به تصویب و تأیید مقام رهبری می رسد.

وظایف و اختیارات مجمع تشخیص مصلحت نظام:

یک: حل اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان.

دو: مشاوره به رهبری در حل معضلات نظام، بازنگری قانون اساسی و تعیین سیاستهای کلان نظام

سه: انتخاب یکی از فقهای شورای نگهبان برای عضویت در شورای رهبری

چهار: عضویت اعضای ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی

3 - دستور بازنگری در قانون اساسی:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، طی حکمی به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری پیشنهاد می کند.

مقایسه وظایف و اختیارات رهبر ایران با رئیس کشور در دیگر نظامها:

الف) وظایف و اختیارات نظام سلطنت در انگلستان:

1 - انتخاب نخست وزیر که مهمترین وظیفه مقام سلطنت است.

2 - اعطای عناوین و نشانه های رسمی به مقامات کشوری و لشکری

3- ریاست کل بر قلمرو بریتانیا اعم از انگلستان، اسکاتلند، ایرلند و ولز

4 - فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور و اعلان جنگ و صلح

5 - انتصاب اعضای مجلس لردان و حق ایجاد لردی مادام العمر

6 - انتصاب فرمانداران کل در کشورهای استرالیا، زلاند نو و کانادا که بصورت فرمانداریهای وابسته اداره می شوند.

7 - انحلال پارلمان به پیشنهاد هیئت دولت

8 - توشیح قوانین مصوب پارلمان و آیین نامه های اجرایی آنها

9 - فرمان افتتاح و اختتام جلسات پارلمان و دعوت از پارلمان برای برگزاری جلسات فوق العاده.

10 - انعقاد قراردادهای بین المللی و برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای دیگر

11- اختیار شناسایی دولتها

12 - حق ابتکار و پیشنهاد قانون به مجلس

13 - اداره امور مستعمرات و مستملکات انگلستان

اختیارات مقام سلطنت در انگلستان در طول تاریخ کاهش یافته است. شاه یا ملکه معمولاً از کمک شورای خصوصی بهره مند است که بیشتر اعضای آن از مشاوران نزدیک اویند. مقام سلطنت می تواند اگر بین مجلس عوام و دولت اختلاف افتاد، هم دولت را ساقط و هم مجلس را منحل کند .

وظایف و اختیارات رئیس جمهور آمریکا:

1 - فرماندهی کل قوا

2 - اعلان جنگ در وضعیت جنگی

3 - دستور بکار گیری اسلحه در نا آرامی های داخلی

4 - ریاست قوه مجریه

5 - انتصاب مقام های دولت فدرال: قضات دیوان عالی، وزیران، سفیران، کارداران و سایر مقامات دولت

6 - عزل مقامهای دولت فدرال

7 - انتخاب مقامهای عالی رتبه دولت فدرال که در ایالات خدمت می کنند

8- صیانت، حمایت و دفاع از قانون اساسی

9 - حق وتو مصوبات کنگره

10 - درخواست جلسه کنگره

11- فرمان اجرایی

12 - طراحی و اجرای همه سیاست ها و برنامه های خارجی

13 - انعقاد معاهدات با دیگر دولتها و نیز لغو آنها

14- پذیرش استوارنامه سفیران و نمایندگان خارجی کشورهای دیگر

15- انتصاب قضات دیوان عالی : دیوان عالی دارای 9 عضو که همه آنها از طرف رئیس جمهور و با موافقت مجلس سنا منصوب می شوند

16 - تعلیق اجرای مجازات و یا عفو جرایم

اختیارات رئیس جمهور امریکا از رهبر و رئیس جمهور ایران بیشتر است . رئیس جمهور در امریکا نمی تواند کنگره کشور را منحل کند. یکی از حقوقدانان انگلیسی جمله مشهوری در باره اقتدارات رئیس جمهور آمریکا دارد: رئیس جمهور آمریکا پادشاه نیست، اما پادشاهی می کند .

وظایف و اختیارات رئیس جمهور فرانسه:

1 - نظارت بر اجرای قانون اساسی

2 - تضمین استقلال ملی، تمامیت ارضی و رعایت معاهدات

3 - نصب و عزل و قبول استعفای نخست وزیر و همچنین نصب و عزل وزیران به پیشنهاد نخست وزیر

4 - ریاست هیئت وزیران

5 - صدور دستور همه پرسی

6 - انحلال مجلس ملی پس از مشورت با نخست وزیر و رئیس‌ان مجلس

7 - نصب مقامات کشوری و لشکری

8 - اعطای استوارنامه به سفیران و همچنین پذیرش استوارنامه سفیران خارجی

9 - فرماندهی کل قوا و ریاست شوراها و کمیته های عالی دفاع ملی

10 - انتخاب 3 نفر از اعضای 9 نفره شورای قانون اساسی فرانسه و همچنین نصب رئیس این شورا

11 - امضای تصویب نامه ها و آیین نامه های صادره توسط دولت

12 - صدور عفو عمومی

13 - اعطای نشانهای دولتی

14 - اتخاذ تصمیمات مقتضی در مواقع اضطراری

15- ریاست شورای عالی قضایی

اختیارات رئیس جمهورفرانسه نه تنها از رهبر و رئیس جمهور ایران، بلکه از رئیس جمهور آمریکا (بدلیل اختیار انحلال کنگره و یا مجلس نمایندگان) نیز بیشتر است .

وظایف و اختیارات امپراتور ژاپن:

1 - نصب نخست وزیر منتخب مجلس

2 - نصب رئیس قضاات دیوان عالی کشور

3 - توشیح و صدور فرمان اجرای اصلاحات قانون اساسی

4 - داشتن حق دعوت به تشکیل مجلسین و انحلال مجلس نمایندگان

5 - اعلام انتخابات عمومی برای تعیین اعضای مجلسین

6 - تأیید نصب و عزل وزیران و سایر مقامات دولتی و نیز تأیید اختیارات تام و استوارنامه سفیران و نمایندگان سیاسی کشور در خارج

7 - تأیید عفو عمومی و اختصاصی

8 - تأیید اسناد و سایر مدارک سیاسی

9 - اعطای نشان های افتخار دولتی

تاج و تخت امپراتوری در ژاپن موروثی است.

موفق و پیروز باشید